در ۵ سال اخیر اتفاق افتاد

تالیف کتاب کودک نصف شد قیمت ۱/۵ برابر

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

کتاب را دستش گرفته است و ورق می‌زند و یک‌دفعه می‌گوید: «تمام شد بابا. یکی دیگه بخریم.» مرد که از سرعتش در خواندن کتاب تعجب کرده است، کتاب را از دستش می‌گیرد و نگاه می‌کند و به‌سمت کتابفروش می‌رود و می‌گوید: «این کتاب‌ها با این قیمت فقط همین چند صفحه را دارد»؛ کتابفروش سری تکان می‌دهد و نمی‌تواند چیزی بگوید. وضعیت کتاب کودک در این سال‌ها خوب نبوده و حضور بیش از حد کتاب‌های ترجمه و بی‌کیفیت بودن کتاب‌های تالیفی همه و همه این بازار بی‌جان را کمرمق کرده است. حالا در گزارش امروز می‌خواهیم به بررسی این موضوع بپردازیم که در سال ۱۴۰۰ و باوجود این بیماری که در این دوسال گریبان‌مان را گرفته، کتاب کودک در چه حالی است؟ و آیا ناشران در این دوسال سعی کرده‌اند برای آشنایی هرچه بهتر کودکان با این وضعیتی که داریم، کتاب‌هایی را در فرایند آموزش و مفهوم‌سازی در دنیای امروز برایشان تدارک ببینند؟ همچنین از شورای نظارت کتاب کودک گفته‌ایم که سال‌ها است خبری از آن نیست و کتاب‌ها در یک خلأ و بدون نظارت منتشر می‌شوند.

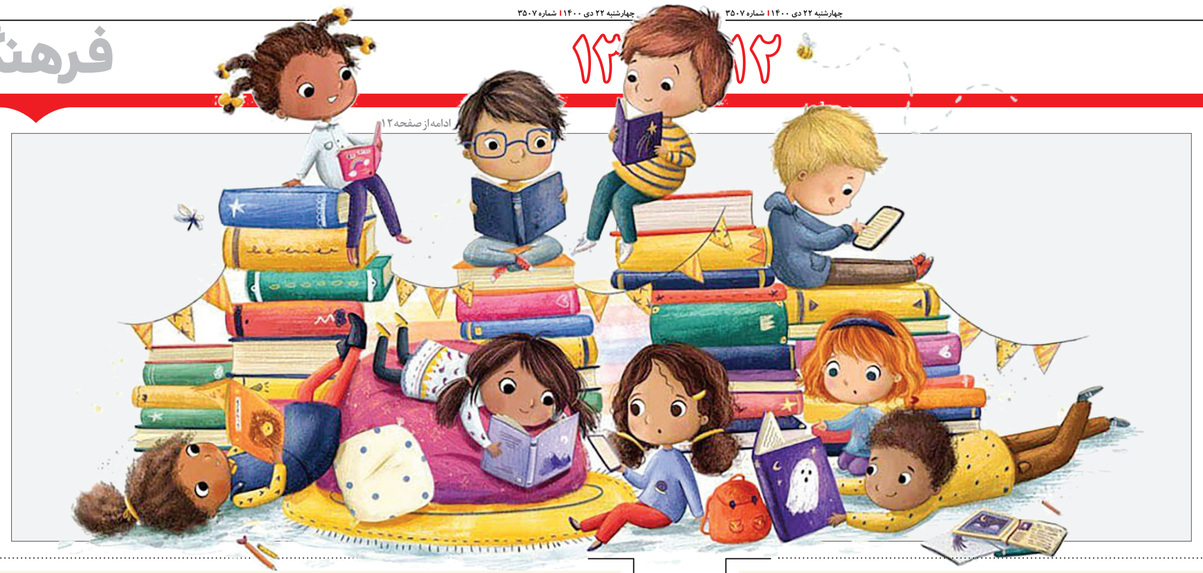

ادامه از صفحه ۱۲

بازار کتاب کودک؛ آشفته و گران

«کتاب‌ها گران است. از کجا بیاورم هرماه پول کتاب بدهم؟ سه کتاب خریده‌ام برای این بچه حدود ۲۵۰ هزار تومان پول داده‌ام. بعد وقتی نگاه هم می‌کنی، سریع کتاب تمام می‌شود، یعنی تعداد صفحات زیادی هم ندارد که بگویم قیمتش به‌خاطر صفحات زیاد است. قیمت‌ها هم که روزبه‌روز گران‌تر می‌شود، یعنی کتابی که دوماه پیش خریده‌ایم، الان با برچسب جدید قیمت، دوبرابر یا بیشتر می‌فروشند.»

گاهی ناشر با همان محتوای کم می‌تواند مطلب را به کودک منتقل کند، اما گاهی فقط وقفط برای پر کردن صفحات و موضوعی که جذابیت ندارد، حوصله کودک یا خواندن همان کتاب کم‌صفحه سرمی‌رود. شما فکر کنید برای یک کتاب، حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان هزینه می‌کنید، باتوجه به کم‌بودن صفحات کتاب‌ها و از دست‌دادن جذابیت آن برای کودک، هزینه‌های خرید کتاب در این اوضاع گرانی، برای خانواده بالا می‌رود، چون مجبور است کتاب‌های بیشتری بخرد. حالا در این میان کتاب‌های نقاشی یا حتی پازل همین وضعیت را دارند؛ تقریبا کتاب‌های ۱۰ صفحه‌ای که با چند رنگ‌آمیزی مختصر زود تمام می‌شود و کودک می‌خواهد سراغ کتاب بعدی برود. اما مشکل اصلی در این مورد خاص، هزینه این کتاب‌هاست که قیمت زیادی دارند، اما برای کودک شاید تنها چندساعت قابل استفاده باشند. ناشران حوزه کودک اما نظرشان چیز دیگری است، آنها معتقدند کتاب‌های طولانی و بلند، کودک را خسته می‌کند و برای همین باید متن یا شعری که در کتاب‌های زیر چهار سال منتشر می‌شود، کوتاه باشد تا کودک خسته و دلزده نشود.

حالا از قیمت که بگذریم، موضوع دیگری که در این حوزه اذیت‌کننده است، کتاب‌های تالیفی بی‌کیفیت است؛ کتاب‌هایی که انگار نویسنده از روی بی‌حوصلگی تمام شروع به نوشتن کتاب کرده و حتی حوصله نداشته متنش را دوباره نگاه کند و از ابتدا بخواند شاید بخواهد تغییری بدهد. یک سری از کارشناسان این حوزه هم معتقدند به‌خاطر وجود آثار ترجمه در بازار کتاب کودک، تعدادی از نویسندگان این حوزه تصمیم گرفته‌اند به ترجمه روی بیاورند به‌جای اینکه کتاب بنویسند.

هادی حکیمیان، نویسنده درمورد این روزهای کتاب کودک می‌گوید: «بازار کتاب کودک در چندسال اخیر رفته‌رفته رونق گذشته خود را از دست داده است.» حکیمیان این مساله را یکی از موضوعات اصلی حوزه نشر کودک‌ونوجوان دانست و گفت: «بخشی از افت بازار کتاب کودک مربوط به گرانی کاغذ و مشکلات تأمین مواد اولیه برای چاپ کتاب‌ها است. افزایش قیمت کاغذ بر قیمت کتاب نیز مسلما تأثیر گذاشته و ما شاهد افزایش چندبرابری قیمت کتاب‌ها طی یکی‌دو سال اخیر بوده‌ایم. مثلا یک رمان نوجوان که قبلا ۱۵ هزار تومان قیمت خورده بود، الان با قیمت ۸۰ هزار تومان به‌دست مخاطب می‌رسد. طبیعتا پرداخت این مبالغ برای خانواده‌ها دشوار است.»

و... او را دارای ذهنی کرده که خلق شخصیت تازه برایش دشوار است. نویسنده و شاعر کودک باید بتواند شخصیتی خوب تر و خاص‌تر از کلیشه‌های ذهنی کودک بسازد که این هم کار بسیار دشواری است. نکته سوم و بسیار مهم هم این است که ذهن کودک امروز با زندگی آپارتمانی، عدم توجه به نیازهای دوران کودکی، نبود رتبه‌بندی برای گرفتن اطلاعات و مواجهه‌اش با محیط اطراف به ذهنی عامه‌پسند بدل شده که تحت‌تاثیر سبک زندگی و ادبیات عامه‌پسند است. برای مواجهه دوباره با کودکان این نسل در یک مدرسه ابتدایی درس دادم و برایم عجیب بود که بچه‌ها درباره گرانی، سیاست و اقتصاد حرف می‌زنند و دغدغه‌ها و صحبت‌هایشان مناسب سن آنها نیست.

در مقوله زبان، کودکان امروز تحت‌تاثیر آموزش‌های رسمی و غیررسمی دچار تفاوت‌های بسیاری شده‌اند، همچنین مقوله‌های جهانی شدن و گسترش کتاب‌های ترجمه هم تاثیر زیادی بر نوع تفکر و طبعا زبان این نسل می‌گذارد. جملات رسمی را درک نمی‌کنند و همه‌چیز به‌سمت ساده‌سازی پیش می‌رود. این اتفاق هم منجربه نوعی تفکر مبتذل و سطح پایین در زبان کودک می‌شود. کپی‌پیست، کراش کردن و خیلی موارد مشابه دیگر به زبان این کودکان راه یافته و این موضوع هم نوشتن را برایشان دشوار می‌کند.»

ملاحظه جدی دارد که ذهن و زبان کودکان را تحت‌تاثیر خود قرار داده است. هرکدام از این دو مبحث را هم باید جداگانه بررسی کرد تا از شرایطی که با آن مواجهیم، به تصویر درستی برسیم.»

تخیل کودکان را باید جدی گرفت

او در ادامه صحبت‌هایش در بررسی تغییراتی که ذهن کودک امروز در مواجهه با جهانی شدن و فناوری‌های نو به آن رسیده، سه نکته را مهم می‌داند و می‌گوید: «اول اینکه ظرفیت آرزو و تخیل کودکان بسیار بالا رفته است و دیگر نمی‌توان با نوشتن یک رمان فرانکشتاینی او را تحت‌تاثیر قرار داد. کودک امروز انواع داستان‌ها از ژانر وحشت گرفته تا فانتزی‌ها و جادوگری‌ها را در اینمیشن‌ها و فیلم‌ها می‌بیند، انواع بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی را تجربه می‌کند و درکنار اینها سریال و فیلم‌های بزرگسالان را هم تماشا می‌کند. ذهن او داستانی و داستان‌زده شده است، ازاین‌رو پایان داستان را حدس می‌زند، گره‌افکنی‌ها و تغییرات شخصیت‌ها را می‌شناسد و غافلگیر نمی‌شود، پس نوشتن برای او بسیار دشوار است. نکته دوم این است که کلیشه‌های ذهنی او بسیار افزایش پیدا کرده‌اند، انواع و اقسام اسطوره‌ها را می‌بیند و برایشان تصویر ذهنی دارد، شجاعت مرد عنکبوتی، طنازی باب اسفنجی، قدرت هالک و... او را دارای ذهنی کرده که خلق شخصیت تازه برایش دشوار است. نویسنده و شاعر کودک باید بتواند شخصیتی خوب تر و خاص‌تر از کلیشه‌های ذهنی کودک بسازد که این هم کار بسیار دشواری است. نکته سوم و بسیار مهم هم این است که ذهن کودک امروز با زندگی آپارتمانی، عدم توجه به نیازهای دوران کودکی، نبود رتبه‌بندی برای گرفتن اطلاعات و مواجهه‌اش با محیط اطراف به ذهنی عامه‌پسند بدل شده که تحت‌تاثیر سبک زندگی و ادبیات عامه‌پسند است. برای مواجهه دوباره با کودکان این نسل در یک مدرسه ابتدایی درس دادم و برایم عجیب بود که بچه‌ها درباره گرانی، سیاست و اقتصاد حرف می‌زنند و دغدغه‌ها و صحبت‌هایشان مناسب سن آنها نیست.

در مقوله زبان، کودکان امروز تحت‌تاثیر آموزش‌های رسمی و غیررسمی دچار تفاوت‌های بسیاری شده‌اند، همچنین مقوله‌های جهانی شدن و گسترش کتاب‌های ترجمه هم تاثیر زیادی بر نوع تفکر و طبعا زبان این نسل می‌گذارد. جملات رسمی را درک نمی‌کنند و همه‌چیز به‌سمت ساده‌سازی پیش می‌رود. این اتفاق هم منجربه نوعی تفکر مبتذل و سطح پایین در زبان کودک می‌شود. کپی‌پیست، کراش کردن و خیلی موارد مشابه دیگر به زبان این کودکان راه یافته و این موضوع هم نوشتن را برایشان دشوار می‌کند.»

کودک امروز چه چیزی احتیاج دارد؟

موضوعی که در این یکی‌دو سال اهمیت بیشتری یافته، تولید محتوا برای کودک‌ونوجوان امروزی است. اصلا کودکانی که درگیر فضای رسانه‌ای و محتوایی جدیدی هستند و از دل دنیای کرونازده به پیرامون خودنگاه می‌کنند، چه کتابی نیاز دارند. به‌نظر می‌رسد کودکان امروز نسبت‌به گرافیک و فرم کتاب‌ها سخت‌پسندتر شده‌اند. مهدی کاموس، نویسنده و پژوهشگر درمورد اینکه کودکان امروز چه چیزی احتیاج دارند، برایمان نوشته است: «کودکان امروز را دو عامل مهم کودکی شدن و فناوری‌های نو تحت‌تاثیر خود قرار داده است. این تاثیر تاحدی جدی است که باید بگویم وقتی از کودک امروز حرف می‌زنیم، نه با کودک سال ۱۴۰۰ که با کودک سال ۲۰۲۱ مواجه هستیم و این یعنی روبه‌رو شدن با کودکی که آینده و هویتی چندگانه و متغیر دارد. درحال تغییر مداوم است و به همین دلایل هم خلق اثری ادبی که بتواند او را جذب یا درگیر خود کند، کار بسیار دشواری است. آن هم برای ما که در انسان‌شناسی کودک امروز ضعف جدی در ارائه نظریه فرهنگی و آینده‌نگاری داشته و هیچ سناریویی برای نسلی که با این نظام جهانی رشد می‌کند، نداریم. نمی‌دانیم چگونه و با چه ویژگی‌هایی بتوانیم او را سازگار و همراه با فرهنگ ملی و مذهبی‌مان بار بیاوریم و متاسفانه فکری به حال این نیازها نکرده‌ایم که هیچ... حرفی هم از آنها نمی‌زنیم. وضعیت کلی کتاب کودک در ایران دو پارامتر دارد که دهن و زبان کودکان را تحت‌تاثیر خود قرار داده است. هرکدام از این دو مبحث را هم باید جداگانه بررسی کرد تا از شرایطی که با آن مواجهیم، به تصویر درستی برسیم.»

تخیل کودکان را باید جدی گرفت

او در ادامه صحبت‌هایش در بررسی تغییراتی که ذهن کودک امروز در مواجهه با جهانی شدن و فناوری‌های نو به آن رسیده، سه نکته را مهم می‌داند و می‌گوید: «اول اینکه ظرفیت آرزو و تخیل کودکان بسیار بالا رفته است و دیگر نمی‌توان با نوشتن یک رمان فرانکشتاینی او را تحت‌تاثیر قرار داد. کودک امروز انواع داستان‌ها از ژانر وحشت گرفته تا فانتزی‌ها و جادوگری‌ها را در اینمیشن‌ها و فیلم‌ها می‌بیند، انواع بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی را تجربه می‌کند و درکنار اینها سریال و فیلم‌های بزرگسالان را هم تماشا می‌کند. ذهن او داستانی و داستان‌زده شده است، ازاین‌رو پایان داستان را حدس می‌زند، گره‌افکنی‌ها و تغییرات شخصیت‌ها را می‌شناسد و غافلگیر نمی‌شود، پس نوشتن برای او بسیار دشوار است. نکته دوم این است که کلیشه‌های ذهنی او بسیار افزایش پیدا کرده‌اند، انواع و اقسام اسطوره‌ها را می‌بیند و برایشان تصویر ذهنی دارد، شجاعت مرد عنکبوتی، طنازی باب اسفنجی، قدرت هالک

ادامه در صفحه ۱۳

چارسو

یک احتمال جدی؛ بازگشت نمایشگاه کتاب به مصلی

یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «به احتمال زیاد مصلای تهران برای برگزاری سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که در اردیبهشت ۱۴۰۱ برگزار می‌شود، انتخاب خواهد شد. بنا بر تصمیم ستاد ملی کرونا، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از زمان شیوع کرونا در ایران برگزار نشده است. آخرین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۳۹۸ برگزار شد. البته هنوز مکان برگزاری این رویداد ادبی در سال ۱۴۰۱ مشخص نشده و باید بین دو گزینه مصلای تهران و شهر آفتاب، یکی برای برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران انتخاب شود. سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هم سال ۱۳۹۸ در مصلای تهران برگزار شد. تنها دو دوره بیست‌ونهم و سی‌ام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در شهر آفتاب برگزار شد که به دلیل همه‌نبودن شرایط این مکان، دیگر تکرار نشد. ازجمله مشکلاتی که برگزاری نمایشگاه کتاب در شهر آفتاب ایجاد کرد، غیر از دسترسی دشوار و دوربودن این محل به مرکز شهر، ایجاد مشکلاتی به علت ضعف‌های ساختاری آن محل بود. ازجمله این موارد می‌شود به بارش باران و آب‌گرفتگی در آن محل اشاره کرد که به بعضی از غرفه‌های شرکت‌کننده در نمایشگاه صدماتی جدی زد.»

فرش قرمز از جشنواره فیلم فجر حذف شد

یزدان عشیری، مدیر روابط‌عمومی سازمان سینمایی گفت: «طراحی دکور، فضای بصری و فرش قرمز جشنواره فیلم فجر در دوره‌های گذشته، بازنمایی از الگوی غرب بود که اسال اصلاح شد.»

به گفته عشیری در برنامه صبحگاهی «سلام تهران» شبکه پنج، علی وزیریان دبیر هنری چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر است که با مشاوره‌های او، فضای بصری جشنواره که در دوره‌های گذشته محل الگودهی غلط و ایجاد حواشی بوده است، تغییر خواهد کرد و در این دوره فرش قرمز وجود ندارد. در آستانه آغاز فجر چهلم، سؤال‌هایی درباره چگونگی زمان‌بندی اکران فیلم‌ها مطرح است که عشیری در این‌باره توضیح داد، تجربه فرعه‌کشی برای اکران فیلم‌ها در گذشته موفق و عدالت‌محور بوده و این شیوه در این دوره هم تکرار می‌شود. محل حضور اهالی رسانه و منتقدان در جشنواره هم تاکنون مشخص نشده است و به گفته عشیری برج میلاد جزء گزینه‌های اصلی برای میزبانی از اهالی رسانه و منتقدان است. در این دوره ۳۰ سینما با ۶۲ سالن و ۱۵ هزار صندلی برای میزبانی از مردم پیش‌بینی شده است. یک همایش دو روزه با همکاری انجمن منتقدان و نویسندگان هم با محوریت جریان‌شناسی نقد در سینما برگزار می‌شود. چند روز پیش اسامی ۲۲ فیلم شرکت‌کننده در بخش سودای سیمرغ فجر چهلم اعلام شد.

درباره ثبت جهانی «پرونده خوش‌نویسی» سوءتفاهم شده است

به گزارش ایسنا، به‌دنبال واکنش‌ها و اعتراض‌های جامعه خوش‌نویسان نسبت به پرونده‌ای که ایران در یونسکو با عنوان «برنامه ملی پاسداری از هنر سنتی خوش‌نویسی در ایران» ثبت کرده و این اقدام را غلط از ثبت «خوش‌نویسی ایران» در یونسکو دانسته است، مرتضی رضانفر، عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری اظهار کرد: «طبق مفاد کنوانسیون برای حفاظت از یک اثر ناملموس، اولین و مهم‌ترین کار ارتقای آگاهی مردم و حاملان عنصر از اهمیت و روش‌های نگهداری است؛ چون میراث ناملموس یک موضوع مردمی و حفاظت از آن نیز غالبا در دست مردم است. به نظرم اطلاع‌رسانی نکردن ما به جامعه هنری، سبب شده یک کار بارزش و شایسته تقدیر در یونسکو، توسط برخی هنرمندان به‌عنوان نقطه ضعف تلقی شود.» با وجود این، جامعه خوش‌نویسان ایران تاکید دارد ایران موفق نشده «خوش‌نویسی» را که خاستگاه آن از این سرزمین بوده در یونسکو ثبت کند و صرفا «برنامه پاسداری» را ثبت کرده که آن نیز جای نقد و بحث دارد. از سویی عنوان می‌شود براساس مستندات بارگذاری‌شده در وب‌سایت یونسکو، پرونده ایران صرفا شرح اقدامات انجمن خوش‌نویسان در چند دهه اخیر است که مکتوب شده و به اسم «برنامه پاسداری» فرستاده شده است.

شرط تهیه‌کنندگان برای اکران‌های مردمی «فجر»

غلامرضا موسوی، رئیس اتحادیه تهیه‌کنندگان سینمای ایران در گفت‌وگو با مهر درباره شرایط اکران فیلم‌ها در چهلمین جشنواره فیلم فجر گفت: «سنت سال‌های گذشته برای نمایش فیلم‌ها در جشنواره فیلم فجر در شهر تهران این بود که ۵۰ درصد از فروش بلیت فیلم‌های حاضر در جشنواره به تهیه‌کنندگان پرداخت می‌شد. بی‌شک این قاعده برای این دوره از جشنواره نیز نباید تغییر کرده باشد؛ ولی این احتمال نیز وجود دارد که با توجه به شرایط کرونا، به‌نفع تهیه‌کنندگان اقدامات جدیدی نیز در دستور کار قرار گیرد.» وی ادامه داد: «پرداخت ۵۰ درصدی از فروش بلیت فیلم‌های جشنواره به تهیه‌کنندگان از زمان داروغه‌زاده در دستور کار قرار گرفت تا تهیه‌کنندگان همانند زمان اکران فیلم‌ها سهمی از گیشه داشته باشند. این تهیه‌کننده سینما توضیح داد: «چگونگی نمایش و تعداد سانس فیلم‌ها در تهران معمولا توسط برنامه‌ریزان جشنواره معین می‌شود اما در شهرستان‌ها معمولا با همفکری و مشورت تهیه‌کنندگان صورت می‌گیرد. معمولا هر فیلم در هر شهرستان حداکثر سه سانس نمایش دارد.» وی تاکید کرد: «در واقع باید بگویم که شرط اصلی اتحادیه تهیه‌کنندگان برای نمایش فیلم‌ها در بخش مردمی جشنواره، مجزا کنیمی از سوی تهیه‌کننده اثر» به هر دلیلی موافق نمایش فیلم خود در شهرستان‌ها نباشد، فیلم مورد نظر اکران نمی‌شود. اما تجربه نشان داده معمولا فیلم‌ها در شهرستان‌ها نمایش داده شده است.»

افزایش ۱۵۰ درصدی کتاب کودک در فاصله پنج‌سال

سال ۹۵: تعداد کل کتاب‌های کودک، ۱۲۸۸۱ عنوان است و تعداد کتاب‌های تالیفی، ۸۱۲۴ عنوان و تعداد کتاب‌های ترجمه، ۴۷۵۷ عنوان بوده است. درست است که کتاب‌های ترجمه تعداد کمتری دارند، اما بازهم به‌نسبت کل کتاب‌های منتشرشده در این حوزه، تعداد زیادی کتاب ترجمه داریم.

سال ۹۶: تعداد کل کتاب‌ها، ۱۴۹۵۸ عنوان است که از این تعداد سهم کتاب‌های تالیفی، ۸۲۸۳ عنوان است که در مقایسه با سال ۹۵، حدود ۱۵۹ عنوان کتاب رشد داشته است؛ اما در کتاب‌های ترجمه تعداد عناوین، رشد عجیب‌وغریبی پیدا کرده و تقریبا دوهزار عنوان کتاب به تعداد کتاب‌های ترجمه اضافه شده است.

سال ۹۷: آمار تقریبا مانند سال ۹۶ است و تعداد کل کتاب‌های کودک ۱۳۳۰۵ عنوان بوده، اما نکته سال ۹۷ این است که تعداد کتاب‌های ترجمه از تالیفی پیشی گرفته و به ۷۶۹۴ عنوان رسیده و تعداد کتاب‌های تالیفی نیز به ۵۳۱۱ عنوان رسیده است.

سال ۹۸: ۸۹۸۰ عنوان کتاب کودک‌ونوجوان در سال ۹۸ منتشر شده است که از این میان ۵۳۳۰ عنوان کتاب ترجمه و ۳۶۵۰ عنوان کتاب تالیفی داشته‌ایم و با این احتساب در انتهای سال ۹۸، ۱۱ درصد افزایش کتاب در حوزه ترجمه و ۵۵ درصد کاهش چاپ کتاب‌های تالیفی در حوزه کودک را داشته‌ایم که این مساله خودش می‌تواند زنگ خطری برای حوزه کودک باشد که ما در عرصه نشر، آن را جدی نمی‌گیریم.

سال ۹۹: ۱۳۸۷۵ عنوان کتاب کودک‌ونوجوان در سال ۹۹ منتشرشده که از این میان، ۷۶۹۴ عنوان تالیف و ۶۱۶۳ عنوان ترجمه هستند. شمار کتاب‌های چاپ اول کودک‌ونوجوان در این سال ۶ هزار و ۷۳ عنوان و شمار تجدید چاپی‌ها ۷ هزار و ۷۸۴ عنوان است و البته بخشی از این روند را می‌توان به‌پای تاثیرات کرونا برنشر گذاشت.

سال ۱۴۰۰ تا آذرماه: ۱۳۴۸۵ عنوان کتاب منتشرشده که از این میان ۳۸۲۶ عنوان کتاب در حوزه تالیف و ۹۶۵۹ عنوان کتاب در حوزه ترجمه منتشر شده است.

سال	تعداد عناوین	ترجمه	تالیف	متوسط قیمت
۱۳۹۵	۱۲۸۸۱	۴۷۵۷	۸۱۲۴	۱۵ هزار تومان
۱۳۹۶	۱۴۹۵۸	۶۶۷۵	۸۲۸۳	۲۵ هزار تومان
۱۳۹۷	۱۳۳۰۵	۷۶۹۴	۵۳۳۰	۲۷ هزار تومان
۱۳۹۸	۸۹۸۰	۵۳۳۰	۳۶۵۰	۳۰ هزار تومان
۱۳۹۹	۱۳۸۷۵	۶۱۶۳	۷۶۹۴	۳۵ هزار تومان
۱۴۰۰ تا آذرماه	۱۳۴۸۵	۹۶۵۹	۳۸۲۶	۴۵ هزار تومان

ترجمه‌های بی‌امان و بازاری که نویسندگان ایرانی در آن جا ندارند

در صفحه فرهنگی «فرهیختگان»، بارها گفتیم که کتاب‌های ترجمه به یک موضوع مهم در بازار نشر کودک تبدیل شده‌اند و تقریبا توانسته‌اند سهم زیادی در کتاب‌های این حوزه داشته باشند. ممکن است برخی کتاب‌های ترجمه خوب باشد، اما گاهی می‌بینیم که کتاب‌هایی بی‌کیفیت در محتوا، به بازار آمده‌اند و تقریبا بدون اینکه نظارتی باشد، همین‌طور جلو می‌روند و ترجمه‌ها را در بازار پخش می‌کنند.

تولیداتی که برای ما نیست

محمدرضا شرفی‌خبوشان، نویسنده و افزایش‌پی‌سابقه ترجمه‌ها در بازار کتاب کودک‌ونوجوان را یک دغدغه بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: «نباید بگوییم که رشد ترجمه‌ها چه تاثیری بی‌گذارد، بلکه باید بگوییم چه تاثیری گذاشته است. نسل نوجوان ما به واسطه خواندن رمان‌های ترجمه‌شده و دیگر محصولات خارجی مانند سریال‌ها، فیلم‌ها... در معرض تولیداتی قرار می‌گیرد که دست‌پرورده نویسنده و هنرمند ایرانی نیست. این پدیده به جدی‌ترین بحران رسیده و باید چاره‌اندیشی کنیم. وقتی می‌بینید که بیشتر اوقات نوجوان ما مصرف استفاده از محصولاتی می‌شود که دیگران تولید کرده‌اند، یعنی انتشار این دست از آثار تاثیر خود را گذاشته است؛ آثار دیگرانی که در برخی از مواقع خیلی از نظریات، رفتارها، مواضع فرهنگی و فکری آنها را قبول نداریم. در سیستم آموزشی ما فرهنگ و نگرش دیگری وجود دارد، اما در بحث تولیدات، از محصولات افرادی استفاده می‌کنیم که نگرش آنها را نقد می‌کنیم.»

سوددهی جایگزین همه چیز

شرفی‌خبوشان این موضوع را برآمده از نگاه سودمحوری می‌داند که ما اتخاذ کرده‌ایم و می‌گوید: «یک فیلم یا یک کتاب آماده را صرفا ترجمه و عرضه می‌کنیم. ناشر و بنگاهی که کتاب یا سریالی را منتشر می‌کند، سراغ محصول آماده شده می‌رود. قرار نیست به نویسنده و تولیدکنندگان این محصولات مبلغی پرداخت کند. ناشر به جای اینکه صرف هزینه کند که بخواهد حق‌التالیف به نویسنده ایرانی بدهد، صرفش در این است که به سراغ محصول حاضر و آماده برود تا سودش را ببرد؛ بنابراین نگاه سودمحور این آسیب را به ما وارد کرده است. اگر بخواهیم وارد نگاه سودمحور شویم، باید وارد چرخه صنعت و تجارت شویم. این چرخه از جهتی به نفع ماست، از این جهت که بتوانیم این سود را متوجه مولد و تولیدکننده کنیم، نه متوجه واسطه‌ها. باید چاره‌ای برای این امر اندیشید. باید با کسانی که در این حوزه حضور دارند، صحبت کرد که چه باید کرد تا از این وضعیت خارج شد.» بحث‌هایی همچون اینکه آیا باید وارد حوزه کپی‌رایت شویم یا نه؟ جلوی واردات و ترجمه‌ها را هماننده دیگر محصولات بگیریم یا نه؟ برای انتشار این دست از آثار مالیات درنظر بگیریم یا خیر؟... اینها سوالاتی است که باید به آن پرداخت و به تعریف روشنی رسید.»

جایگاه واقعی نوشتن برای کودکان

شرفی‌خبوشان، نویسنده در مورد اینکه این شورا چه نقشی می‌تواند در این مسیر ایفا کند، می‌گوید: «این شورا نقش اصلی را برعهده دارد. به نظر من همین که آیین‌نامه نظارت بر کار کودک و نوجوان را طی سال‌ها تدوین کرده‌اند و بارها مورد ارزیابی قرار داده‌اند، کار مهمی است که این بخش انجام داده، البته مهم‌تر از داشتن این آیین‌نامه، این است که به تصویب برسد و به شکل قانون دربیاید و الان‌ها شود نام‌ها ناشرین مکلف به اجرای آن شوند. این کار حتما باید انجام شود. البته من نمی‌دانم این آیین‌نامه الان کجاست و چه سیری را گذرانده است ولی به هرحال زمانی که ما آیین‌نامه و قانون موثری برای کنترل جریان نشر کودک و نوجوان به‌خصوص در قسمت ترجمه داشته باشیم، خیلی از مشکلات حل می‌شود، یعنی بحران خاصی رخ دهد تا به فکر آن باشیم. افزود: «ناوقتی قضیه به‌شکل حادی بحرانی نشده این گفت‌وگوها باید بین افرادی که در حوزه فرهنگ و تجارت حضور دارند، مطرح شود تا بتوانیم به برنامه‌روشن از این حیطه به سلامت عبور کنیم و ما هم‌به افرادی تبدیل شویم که با تولیدات فرهنگی خودشان می‌توانند سود راتصیب تولیدکننده کنند، آن موقع است که اطمینان پیدا می‌کنیم که یک محصول فرهنگی و هنری ایرانی داریم و هم این سود متوجه تولیدکنندگان راستین آن می‌شود. به این شکل است که می‌توان به سلامت از وضعیت پیش آمده عبور کرد.» شرفی‌خوشان، با بیان اینکه هیچ کس با ترجمه مخالف نیست، می‌گوید: «اما باید توجه ما به سمت حمایت از نویسنده ایرانی باشد. اگر همپای محصولاتی که از بیرون وارد می‌شود، به تولیدکنندگان محصولات ادبی هم ما بها دهیم و به کیفیت آثار آنان کمک کنیم، چه بسا خواننده ایرانی بیاید سراغ کتاب‌هایی که هیوطن و هم‌زبانش نوشته، چرا که محیط اثرش محیط خوانده است و دغدغه او را دارد. اما در این سال‌ها این حق‌التالیف به نویسنده ایرانی نمی‌رسد. این پدیده به نویسندگان حوزه ایرانی را نمی‌خواستند و شناخت او به دایره کوچکی از نویسندگان سرشناس محدود می‌شود.»

ادامه از صفحه ۱۲

شورای نظارتی که نیست

شورای نظارت بر کتاب کودک از آن دست شوراهایی است که می‌تواند ظرفیت مهمی در حوزه حمایت از آثار کودک ایجاد کند تا کمی حال‌وضاع این حوزه بهتر شود؛ اول کمی درمورد تاریخچه این شورا بگوییم و بعد هم از اینکه چرا حدود سه‌سال است تشکیل نمی‌شود.

تشکیل هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۷ ضروری بوده است اما اطلاعات رسمی از تشکیل شدن یا نشدن این شورا و ترکیب اعضای احتمالی آن در دست نیست. صدور مجوز کتاب‌های کودکان در وزارت ارشاد در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در اداره کتاب کودک صورت می‌گرفت که مهم‌ترین مدیران آن در دهه ۶۰ مهدی حجوانی و محمدرضا بهمن‌پور بود و در دهه ۷۰ بهمن دری، رفیعی و علی‌اصغر سیدآبادی بودند.

در سال ۱۳۸۱ به به وزارت رسیدن احمد مسجدجامعی برای نخستین‌بار هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان به‌طور رسمی تشکیل شد. بنابر اعلام سایت رسمی دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، اسامی اعضای این هیات در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به این شرح بوده است: حسین ابراهیمی‌الوند، محمدرضا بابرامی، مهدی حجوانی، محمدرضا دادگر، حسین فتاحی، سیدعلی کاشفی خوانساری و مهنوش مشیری. همان منبع از مظفر سالاری، محمدعلی شعاعی و مهدی ارگانی به‌عنوان اعضای تکمیلی هیات نام می‌برد. هرچند شنیده‌ها حاکی از عضویت مصطفی رحماندوست، علیرضا زهرا احمدی، محسن چینی فروشان و محمدرضا حشمتی هم در هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان در آن دوره است.

در سال‌های بعد و در دوره وزارت محمدحسین صفارهرندی، هیات نظارت بر کتاب کودک تقریبا با همان ترکیب قبلی به کار پرداخت. با حذف چندنفر چون شعاعی، دادگر، ابراهیمی، حجوانی، مشیری، سالاری، ارگانی، احمدی و حشمتی، ادامه حضور رحماندوست، کاشفی، چینی فروشان و فتاحی و با اضافه شدن محسن پوینده، مجید حمیدزاده، محمدرضا سرشار، احمد عربلو، بابک نیک‌طلب، جعفر ابراهیمی شاهد، محمدحسن راستگو و امیرحسین فردی در دولت نهم به کار خود ادامه داد. هرچند در این سال‌ها هیات جلسات بسیار کمتری داشت.

در دوره وزارت سیدمحمد حسینی اعضای هیات نظارت بر کتاب کودک عبارت بودند از محسن چینی فروشان، محمد میرکیانی، بهمن دری، امیرحسین فردی و جواد محقق. گرچه گفته می‌شود چینی فروشان و میرکیانی هیچ‌گاه در جلسات این دوره حضور نیافتند و آخرین جلسات هیات با حضور دری، صادق رضایی (مدیرعامل وقت کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان) و جواد محقق برپا شد و در دوره سرپرستی علی اسماعیلی به معاونت فرهنگی هم هیات نظارت هیچ جلسه‌ای نداشته است.

بنابر شنیده‌ها در هیات نظارت بر کتاب کودک در دوره وزارت علی جنتی از افرادی چون مصطفی رحماندوست، علیرضا حاجیان‌اراده، سیدعلی کاشفی خوانساری، محمدرضا وصفی، ابراهیم حسن‌بیگی، سیدمهدی شجاعی، مهدی حجوانی، سیده خلیلی، علی‌اصغر سیدآبادی، مهدی ارگانی، محسن چینی فروشان، محسن مومنی، افشین علا، سیدصادق موسوی، محمدحسن راستگو، محمدرضا حشمتی، محمدعلی نی‌اسدی، محسن پوینده، زهرا زواریان، زهرا احمدی، علی اکبر اشعری، منوچهر اکبرلو، عبدالله سیف‌زاده، سیدعلی محمد رفیعی و حمیدرضا شاه‌آبادی دعوت شده.

در دوره سیدعباس صالحی اما از این هیات نظارت تقریبا هیچ‌حرفی نیست و نه معلوم است که جلسه‌ای داشته‌اند و نه اعضای آن مشخص هستند.

مظفر سالاری، نویسنده در مورد اینکه این شورا چه نقشی می‌تواند در این مسیر ایفا کند، می‌گوید: «این شورا نقش اصلی را برعهده دارد. به نظر من همین که آیین‌نامه نظارت بر کار کودک و نوجوان را طی سال‌ها تدوین کرده‌اند و بارها مورد ارزیابی قرار داده‌اند، کار مهمی است که این بخش انجام داده، البته مهم‌تر از داشتن این آیین‌نامه، این است که به تصویب برسد و به شکل قانون دربیاید و الان‌ها شود نام‌ها ناشرین مکلف به اجرای آن شوند. این کار حتما باید انجام شود. البته من نمی‌دانم این آیین‌نامه الان کجا